

مانیفست روشنفکری با یک پذیرایی ساده!

- علیرضا آل مبین**

پذیرایی ساده فیلم خوب است. اما این یاداشت را تا آخر بخوانید تا معلوم شود که خوب بودن این پذیرایی ساده از کدام لحاظ است.

برای بررسی این فیلم باید به حواشی پیش و پس و حاکم بر آن نگاه کرد. به این حاشیه پردازی بنا به خواست کارگردان صورت می گیرد و نگارنده ناگزیر از پرداختن به آن است.

کاوه شخصیت نقش اصلی فیلم، که اتفاقاً شخص کارگردان رل او را ایفا کرده است، به همراه یک زن، راه افتاده است در مسیری کوهستانی، شاید در غرب کشور تا بین مردم پول تقسیم کند. او به همراه زنی که تأکیداً نوع رابطه شان در ابهام می ماند در این مسیر با آدم ها، شرایط و اتفاقات متفاوتی روبرو می شوند.

راز اینکه پول از کجا آمده و چرا بین مردم تقسیم می شود هم فاش نمی شود. از این دست نکات مبهمی که تماشاچی باید با خودش از سالن تارکیت سینما بیرون بیاورد زیاد است. کارگردان بای پاسخ گذاشتن این سؤال رابطه خاوسته است بعد معنایی فیلم را افزایش دهد و به مخاطب را متمرکز بر مفاهمی کند که مورد توجه خودش است. در حالی که اگر کارگردان می خواست ذهن و تخیل تماشاچی را آزاد نگذارد برای اینکه تصور کند، مثلا پول ها از کجا آمده اند یا این دو نفر چه نسبتی با هم دارند، هیچ پاسخی به این سؤال ها نمی داد. اما فیلم با ارائه چند پاسخ متفاوت ذهن مخاطب را می آشوبد. تا توجه و تمرکزش را به آن بخش از داستان که مد نظر کارگردان است جلب کند. اما حجم و اهمیت سوالات در ذهن خواننده آقدر گسترش می یابد که از خط سیر قصه باز می ماند و بیشتر در جستجوی سوالات خود به تکاپو می افتد تا کشف غرض فیلمساز.

دررودن فیلم های جاده ای عموماً کشف و شهودی برای یکی از شخصیت ها رخ می دهد. اما در این فیلم شاهد هیچ تغییر ،استعماله یا کشفی نیستیم. کاوه و لیلیا با سوالات و پاسخ های مشخص حرکتشان را آغاز کرده اند و در پایان نیزوضعیت آن ها نسبت به ابتدای فیلم تغییری نمی کند. هدف کاوه را از وارد شدن به این مسیر صرفاً تقسیم پول نمی توان دانست بلکه گویا به گونه ای قصد مطالعات مردم شناسانه دارد تا آنجا که کار به تبدیل شدن سوزه ها به موش آزمایشگاهی می انجامد. لیلار در مسیر این مطالعه و آزمایش به نوعی شاگرد و یادستیار کاوه است. در این فیلم یکسانی کارگردان و بازیگر نقش اصلی را نه به دلیل اشتیاق کارگردان به بازیگری می دانم و می افتد تا کشف غرض فیلمساز.

دررودن فیلم های جاده ای عموماً کشف و شهودی

برای یکی از شخصیت ها رخ می دهد. اما در این فیلم شاهد هیچ تغییر ،استعماله یا کشفی نیستیم. کاوه و لیلیا با سوالات و پاسخ های مشخص حرکتشان را آغاز کرده اند و در پایان نیزوضعیت آن ها نسبت به ابتدای فیلم تغییری نمی کند. هدف کاوه را از وارد شدن به این مسیر صرفاً تقسیم پول نمی توان دانست بلکه گویا به گونه ای قصد مطالعات مردم شناسانه دارد تا آنجا که کار به تبدیل شدن سوزه ها به موش آزمایشگاهی می انجامد. لیلار در مسیر این مطالعه و آزمایش به نوعی شاگرد و یادستیار کاوه است. در این فیلم یکسانی کارگردان و بازیگر نقش اصلی را نه به دلیل اشتیاق کارگردان به بازیگری می دانم و می افتد تا کشف غرض فیلمساز.

خانوادی اش را نمی شناسد. کارگردان با یاد «مانیفست (مانی حقیقی)» را نمایشده جریان شبه روشنفکری در این فیلم دانست. فیلمی که طرز تلقی و مواجهه شبه روشنفکران را با جامعه نشان می دهد، کاوه با مردم بد رفتاری می کند. آن ها را مورد تحقیر و تمهق قرار می دهد. شخصیتشان را لجن مال می کند، اما در عوض به آن ها پول می دهد، دلش برای نادانی و اسارت آن ها می سوزد و آن قدر مهربان است که دلش نمی آید قاطر لقیل یا سگ های وحشی را بکشد و سرانجام چنان مظلوم و رنجور نشان داده می شود تا مخاطب پای رنج های او اشک بریزد و حتی با او مهادت پنداری کند. کاوه و لیلار در تمام طول فیلم از موضع بالاتر با دیگران رفتار می کنند. نه صرفا به این خاطر که آن ها پول دارند و دیگران ندارند بلکه دلایل دیگری هم هست. کاوه می فهمد و مردم نمی فهمند. کاوه می خواهد مردم را از بند اسارت کارفرما برهاند اما مردم نمی خواهند آزاد باشند. … و این هاست که روشنفکر قصه را می آزارد. روشنفکری که باید بهای جهل، نادانی وطمعکاری عوام الناس را بپردازد.در یک شب سرد کوهستانی جان می کند تا برای خود یک روزه ای که پندر همکارش به خاطر پول حاضر شده به جسد فرزندش طعمه گرگها شود قبر بکند در حالی که

جایگاه اقلیت‌های نژادی در یک جشن سینمایی اذعان هالیوودی‌ها به نژادپرستی اسکار

مراسم جوایز اسکار با قریب به یک قرن سابقه فعالیت، همچنان از نظر برخی ستاره‌های هالیوود یک مراسم نژادپرستانه است که هنر سیاهان را نادیده می‌گیرد، برخی فیلمسازان مطرح اروپایی نیز این مراسم را هیچ می‌دانند.

به گزارش فارس، مراسم اسکار اولین بار ۱۶ می سال ۱۹۲۹ در هتل روزولت در هالیوود، کالیفرنیا به افتخار فیلم‌های برجسته سال ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ برگزار شد. این مراسم ۲۷۰ مهمان داشت و بهای بلیط هر نفر ۵ دلار بود، این مراسم امروزه با بودجه‌ای بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار برگزار می‌شود و قیمت هر تندیس طلایی آن بر طبق گزارشی که هفت سال پیش از آن در خبرگزاری‌های سینمایی منتشر شد، ۸۳۰ دلار است.با آنکه این مراسم قریب به هفت دهه پس از لغو تاج‌ه بردهداری در آمریکا، برگزار می‌شود ولی از همان ابتدا توجه مخالفان با نژادپرستی را به خود جلب کرد. به عنوان مثال بسیاری این مراسم نژادپرستانه‌ای است ولی به که هنر مندنان سیاه‌پوست را نادیده می‌گیرد و تنها برای شانه خالی کردن از ریز بار این اتهام هر چند سال یک بار، یک ستاره سیاه‌پوست را برنده اعلام می‌کند، مراسمی که حتی امروز تنها ۲ درصد از رای‌دهندگان آن پوستی سیاه دارند. در حالی که هر ساله حدود ۵۰ تندیس اسکار سفارش داده می‌شود، طی ۸۵ سال برگزاری این مراسم سینمایی، تاکنون تنها حدود ۲۵ هنرمند سیاه‌پوست در بخش‌های مختلف سینمایی موفق به کسب این جایزه شده‌اند؛ در کل ۱۳ بازیگر سیاه‌پوست (زن یا مرد، نقش اول یا دوم) و تنها ۲ کارگردان، «دان چیدل» بازیگر فیلم «هتل رواندا» در صحنه سال گذشته خود پیش از برگزاری مراسم اسکارسال ۲۰۱۲ میلادی نخستین بازیگر آفریقایی‌تباری و همچنین سیاه‌پوستی است که با اسکار برگزای این مراسم سینمایی، هالیوود کجا می‌رود؟ امسال چند ستاره سیاه‌پوست از این جایزه محروم شدند، هیچ‌کس حتی یک نفر، ای‌یاقلا استعداد و قابلیت هنرمندان سیاه‌پوست خشکیده است؟ چه کسی در این باره تصمیم می‌گیرد؟ شاید جواب سوال «دان چیدل» ۹۴ درصد (!) رای دهنده سفیدپوست آکادمی علوم و هنرهای سینمایی بداندند. براساس آماري که سال گذشته

جشن رسوایی!

- پژمان کریمی**

مردم ایران و دستگاه فرهنگی سینما، یکشنبه ۲۴ دی در فرهنگسرای ارسباران تهران برگزار شد.

به دلیل نوع نگاه داوران جشن و جنس میهمانان، انتظار می‌رفت که این رویداد نیز همچون جشن خانه سینما، متدیل به فرصتی برای تهاجم به ارزش های دینی و مدیریت های فرهنگی کشورمان شود و همین اتفاق هم افتاد.



در جشن منتقدان، فیلم‌هایی انتخاب و مورد تحسین قرار گرفتند که- اغلب - آثاری ضعیف به شمار می‌روند. به راستی فیلمی مانند «بغض» چه نقطه قوت و ویژگی ساختاری و محتوایی دارد که اعتنای داوران جشن را برانگیخت؟

«برف روی کاج‌ها» چطور؟ روی موضوع محتوای دقیق می‌شوم!

آیا یکی از داوران جشن از خود پرسید که برف روی کاج‌ها، چه توجیه تری‌ن انتقادات به جریان های روشنفکری و این اندیشه داری چه مبنای منطقی است؟ آیا جز این است که فیلم مهوع پذیرایی ساده، یک عوجاج شبه‌روشنفکری را به صورت گل درشت نمایش می‌دهد؟این پرسش‌ها، کاملا مبنایی و قابل اعتناست!

درجشن منتقدان، آدمهای برگزیده سه روی صحنه دعوت شدند. طبیعی این است که ایکل سینما در یک محفل و گردهمایی مطالبی به زبان آورد که حاوی چند ویژگی باشد: یک: ناظر به موضوع محفل دو: ادب و متانت سه: رعایت واقع‌بینی انصاف

در ارائه دیدگاه دوستان روشنفکر و نخبه خوب است بفهمند یاد بگیرند که نقد و اعتراض از نظر عقلانی و علمی، شیوه و شیوه‌های روشن و کارآمدی دارد!

جریان شناسی اسلام هراسی در سینمای غرب

تروریسم تصویری هالیوود علیه بیداری

- سعید رضایی**



معرفی و نمایش مسلمانان به عنوان خرابکارو تروریست ومقابله آموران امنیتی غربی برای نجات مردم از ماجراجویی‌های آن‌ها را به کار می‌برند.

«از پاریس با عشق» به کارگردانی پیرمورل یکی از این فیلم‌هاست که در ژانر اکشن و فعالیت‌های دربار تلاش یک مأمور سازمان سیا و همکارش در فرانسه برای تأمین امنیت سفر یک هیئت آمریکایی به پاریس است. او در این آموریزت از توطئه یک گروه تروریستی آگاهی می‌یابد. وی آن‌ها را ردگیری می‌کند و می‌بیند که یک گروه اسلامی هستند.

پیرمورول در قسمت اول

آن دوران عمدتا به صحنه‌های بی‌آب و علف و پهناور محدود می‌شد که مردمی بدوی و فاقد تمدن در آن‌ها زندگی می‌کردند. آثاری نظیر «لورنس عربستان»، «لال سید»، «ایندیانا جونز»، «دزد بغداد» و… نمایش‌دهنده چنین تصویری بودند.

اما در دهه ۸۰ میلادی و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، کابوس طیفور مجدد تمدن در آن‌ها زندگی می‌کردند. آثاری نظیر «لورنس عربستان»، «لال سید»، «ایندیانا جونز»، «دزد بغداد» و… نمایش‌دهنده چنین تصویری بودند. اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان مشحبه دربرق پوش شایع به‌شماره‌اند. تروریستی و فراری را زبیا و امن نشان می‌دهد، اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان مشحبه دربرق پوش شایع به‌شماره‌اند. تروریستی و فراری را زبیا و امن نشان می‌دهد، اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان مشحبه دربرق پوش شایع به‌شماره‌اند. تروریستی و فراری را زبیا و امن نشان می‌دهد، اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان مشحبه دربرق پوش شایع به‌شماره‌اند. تروریستی و فراری را زبیا و امن نشان می‌دهد، اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان مشحبه دربرق پوش شایع به‌شماره‌اند. تروریستی و فراری را زبیا و امن نشان می‌دهد، اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان مشحبه دربرق پوش شایع به‌شماره‌اند.

این تصویری است که طی فرمول‌های ثابت و کلیشه‌ای

دو شنبه ۲۱ممن ۱۳۹۱

۹ ربیع الاول ۱۴۲۴ - شماره ۲۰۴۱۱

نگاهی به افت وخیزهای برنامه‌های رادیویی

رادیو رسانه‌ای که می تواند

بیشتر شنیده شود

- رضا فرخی**

اهمیت برنامه‌های سیاسی این صحنه‌ها در حالی مطرح می‌شود که کارشناسان درباره برنامه‌های سیاسی و رادیویی نظرات متفاوتی دارند. برخی از آنها با اشاره به اینکه سبک اجرای برخی برنامه‌های سیاسی رادیو کمی یکنواخت شده به لزوم سبک‌ها و تنوع‌بخشی به این گونه برنامه‌ها اشاره دارند.

کارشناسان بر این باورند که برنامه‌های سیاسی رادیو باید در قالب‌های جدید و شکل‌های تازه‌تری به مخالب ارائه شوند به ویژه اینکه خشک‌شدن فضای برنامه‌های سیاسی رادیو چندان برای مخاطبان مطلوب نیست. هر چند که حوزه سیاسی بخش مهمی است اما باید در این حوزه ابتکار و خلاقیت بیشتری به خرج داد و مخاطب را گرفتار یک فضای خشک و ملال‌آور سیاسی که موجب خستگی او می‌شود نکرد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد که بسیاری از صاحب‌نظران با توجه به گسترش رادیوهای غربی بر لزوم افزایش سطح برنامه‌های رادیویی تأکید دارند. استدلال اینم دسته بر این است که استراتژی رسانه‌ای آینده غرب، گسترش رادیوها به طور همزمان با شبکه‌های تلویزیونی است و



گسترش فرهنگ رادیو در جامعه می‌تواند منجر به افزایش سریع سطح فرهنگ عمومی و جامعه‌پذیری اجتماعی گردد.
چرا که به هر صورت رادیو به عنوان یک ابزار مهم رسانه‌ای می‌تواند نقش قابل توجهی در گسترش فرهنگ اجتماعی داشته‌باشد.

بدون تردید رسانه‌های غربی فارسی زبان در سال‌های نه چندان دور سعی خواهند کرد تا خود را آسان تر در اختیار شنونده ایرانی قرار دهند. به طور مثال شریاطی را فراهم کنندکه حتی رادیوهای خودروهای شخصی بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم

موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.

مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم

موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم

موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم

موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم

موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم موج رادیو بشنود. این مسئله می‌تواند منجر شود. به شکل گیری یک اعتماد گسترده به رادیو شود.
مثال‌های عینی‌تر این مسئله را می‌توان در برنامه‌ای همچون برنامه «روزی حلال» که به سردبیری علی البرزی را دارای اقتصاد بخشی در ادامه با اشاره به لزوم گسترش رادیوهای تخصصی اشاره می‌کند. باید فضا به گونه‌ای شود که مخاطب بتواند در هر لحظه برنامه مورد نظر خود را تنها با تنظیم